





مطالعات هنر و معماری قاجار - ۵
دبیر مجموعه: علیرضا بهارلو و کیانوش معتقدی

کاشی و کاشی کاران طهران در عصر قاجار

نویسنده و عکاس: کیانوش معتقدی

ویراستار: دکتر علیرضا بهارلو

ویرایش تصاویر: نامی ناموریکتا

چاپ و صحافی: باما-واژه پرداز

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۵۲۵-۷-۶

دانیار
نشر دانیار

حق چاپ برای نشر دانیار محفوظ است.

خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان شصتم ج، پلاک ۷

تلفن: ۰۹۳۰۰۶۵۵۰۴۸

ایمیل: danyarpub@gmail.com

کاشی و کاشی کاران طهران در عصر قاجار

کیانوش معتقدی

فهرست

۶ مقدمه
۸ منابع مطالعات کاشی‌های سبک تهران
۱۳ تاریخچه کاشی در ایران
۲۳ پیشینه ساخت کاشی در تهران
۲۹ قالب و قاب‌بندی در کاشی‌های سبک تهران
۳۴ رسالاتی در ساخت کاشی هفت‌رنگ
۳۴ امضا و رقم‌های کاشی‌کاران تهران
۳۸ کتاب‌نامه
۴۰ نقوش گیاهی و حیوانی
۵۸ نقش شیرو خورشید
۶۸ مجالس بزم و ضیافت

مقدمه

سلسله قاجار نزدیک به یکصد و پنجاه سال بر ایران حکومت کرد و بر خلاف شیوه حکومت‌داری و شرایط سیاسی و اقتصادی کشور، تحولات هنر و معماری این دوران از منظر تاریخ‌نگاری هنر، وضعیتی پویا و رو به رشد داشت و سبک تازه‌ای از نقاشی فیگوراتیو با زیبایی‌شناسی‌ای خاص در دربار تهران پرورش یافت، که در بررسی آن مسئله «روایت» و «کارکرد» تصویر در تعامل با ساختار نقاشی‌های فرنگی و عناصر تزئینی وارداتی اهمیت ویژه‌ای دارد.

از سوی دیگر و به دلیل روابط نسبتاً گسترده قاجاریان با کشورهای غربی، و بعد از به سلطنت رسیدن ناصرالدین‌شاه قاجار سبک اختصاصی در کار کاشی‌کاران تهران پدیدار گردید که در آن موضوع پیکرنگاری (متاثر از عکاسی) و استفاده از نقوش تزئینی فرنگی، به سمت نوعی طبیعت‌گرایی گرایش بیشتری یافت و کم‌کم از هنر تجربیدی معمول در هنر ماقبل از خود فاصله گرفت.

باوجود آنکه سبک کاشی‌کاری ابنیه تهران در دوران فتحعلی‌شاه تحت تاصیر مستقیم مکتب شیراز بود، سفالگران و کاشی‌سازان عهد ناصری (در سبک تهران) رونقی تازه به این هنر افزودند و حجم بالای تولید کارگاه‌ها در کنار نوآوری‌های تکنیکی در ساخت بدنه و فناوری‌های جدید در لعاب و شیوه نقاشی زیرلعابی، مسبب زایش سبکی اختصاصی برای کاشی و کاشی‌نگاران تهران گردید.

با گسترش مهاجرت استادکاران شیرازی و اصفهانی به دارالخلافه تهران، برخی نقشمایه‌ها و شیوه‌های تولید و رنگ‌آمیزی کاشی‌های پایتخت متحول گردید و ساخت و سازهای دوران ارگ سلطنتی و کاخ‌های جدیدی که به دستور ناصرالدین‌شاه در خارج از تهران ساخته می‌شدند، فرصتی را فراهم کرد تا کاشی‌کاران نمونه‌های ممتازی از انواع کاشی‌های هفت‌رنگ را برای تزئین این بناهای سلطنتی تهیه و تولید کنند. در ادامه هم به‌واسطه افزایش سفارشات خارجی‌های مقیم تهران و حمایت آنان از تولید کاشی‌های تصویری (عکسی) و گاه بازتولید آثار سبک قدیم، سطح کیفی کاشی‌های تهران بالاتر رفت و در اندک مواردی نیز تکنیک‌های فراموش‌شده‌ای همچون زرین فام، به دست کاشی‌سازانی همچون استاد علی‌محمد اصفهانی دوباره احیا شد.

کتاب حاضر پژوهشی است تاریخی توصیفی، برای شناسایی و معرفی «سبک کاشی و کاشی کاران تهران» در عهد قاجار که با روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی ابنیه باقیمانده از دوره قاجار در تهران سامان یافته است. در اینجا موضوع کاشی به‌عنوان یک عنصر تزئینی در معماری ایرانی با توجه به کارکردهای تصویری و سبک نقاشی (زیرلعابی) آن طبقه‌بندی شده است.

باوجود آنکه کاشی در فضاهای سلطنتی حضور داشته ولی همزمان گفتمان هنر عامیانه در کاشیکاری قاجار غالب‌تر است و در بیشتر موارد سازندگان، طراحان، سفارش‌دهندگان، سوژه‌ها و خریداران این نوع آثار ذاتی درباری نداشته‌اند. پس تحلیل گفتمانی کاشی‌ها قاجاری تهران (متعلق به ژانر هنر عامیانه) در مقایسه و نسبت با دیگر هنرهای صناعی می‌تواند در آشکار ساختن تأثیر و برهمکنش شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران به مثابه یک محصول زیبایی‌شناختی برآمده از بطن جامعه ایرانی و سنت‌های تصویری عامیانه مفید و آگاهی بخش باشد.

شایان ذکر است که در این پژوهش به موضوع نشانه‌شناسی و روابط بینامتنی در کاشی‌های دوره قاجار و دلالت و معنا در نظام‌های نشانه‌ای وارد نشده‌ایم، لیکن تنها در بخش تصاویر کارت پستالی، مناظر اروپایی و روایات مسیحی، به دلیل الگوبرداری‌های مستقیم کاشی‌نگاران از تصاویر، چاپنقش‌ها و باسمه‌های فرنگی، مفهوم «فرنگی‌کاری» یا به اصطلاح فرنگی‌سازی را در کاشی‌های دوره قاجار مورد بررسی و مقایسه با نمونه‌های اصلی قرار داده‌ایم. همچنین در مورد گرده‌برداری‌های کاشی‌نگاران از رسانه عکاسی نیز اصل عکس‌ها در مقابل کاشی‌ها آورده شده تا خوانندگان بی‌واسطه تأثیر این دو هنر را بر یکدیگر مورد مقایسه و بررسی قرار دهند.

نمونه‌های ارائه شده در این پژوهش از مجموعه بزرگ کاشی‌های موجود در بناهای قاجاری تهران، کلکسیون موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی و آثار ارائه شده در حراج‌های بین‌المللی، گزینش شده و نگارش، گردآوری مطالب و عکس‌برداری از آن‌ها نزدیک به هشت‌سال طول کشیده است.

در این پژوهش برای مطالعه و بررسی مطالب مرتبط با پیشینه و شیوه‌های ساخت و تولید کاشی‌های هفت‌رنگ عهد قاجار از مقالات و مکتوبات جنیفر اسکرس، مویا کری و فردریکه وویگت بهره فراوانی بردم و همین‌جا قدردان زحمات ایشان برای معرفی هنر ایران هستم. همچنین قدردان تلاش‌های ارزشمند مرحوم حسین زمرشیدی، استاد هادی سیف، عباس اکبری، محمدرضا ریاضی، مهدی مکی‌نژاد، عاطفه سید موسوی و زهرا خادمی هستم که پیش از من پژوهش‌های ارزشمندی را در این زمینه منتشر کرده‌اند.

در پایان لازم می‌دانم از همکاری دکتر علیرضا بهارلو، نامی ناموریکتا، لادن قربانی، احمد مرشدلو و انسیه سادات موسوی صمیمانه تشکر کنم، که هریک به نوعی در شکل‌گیری این پژوهش نقشی تاثیرگذار داشتند. امیدوارم این کتاب برای مطالعه علاقمندان به هنر کاشی‌کاری، تهران‌پژوهان و دانشجویان هنر منبعی مفید و کارآمد باشد. تا چه قبول افتد...

کیانوش معتقدی

منابع مطالعات کاشی‌های سبک تهران

در میان منابعی که به کوشش محققان ایرانی و غربی درباره کاشی و کاشیکاران دوره قاجار سبک تهران (در یک ترتیب زمانی) انتشار یافته‌اند، جنبه‌های مختلف تاریخی این آثار بیش از هرچیز مورد نظر بوده و عموماً محتوای این کتاب‌ها، تاریخ‌نگاری هنر و جمع‌آوری داده‌های بصری و صرفاً توصیفی است. در همین زمینه مهم‌ترین کتاب‌های منتشرشده در سه دهه اخیر که برای نگارش این اثر مورد مطالعه نگارنده قرار گرفته‌اند به شرح ذیل معرفی می‌گردند. البته تعداد زیادی مقاله و چند پایان‌نامه نیز در همین زمینه انتشار یافته که مورد توجه این پژوهش بوده و فهرست کاملی از آنها در بخش کتابنامه برای مطالعه بیشتر آورده شده است.

محمدیوسف کیانی در کتاب «مقدمه‌ای بر هنر کاشیگری ایران» به معرفی انواع تکنیک‌های ساخت و طراحی کاشی در ایران پرداخته و پیشینه‌ای از ساخت کاشی‌های هفت‌رنگ ارائه کرده است. وی در کتاب دیگری تحت عنوان «تزیینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی» به بررسی تاریخچه هنر کاشی‌کاری پرداخته است. حسین زمرشیدی از چهره‌های شناخته شده در زمینه مطالعات کاشی‌کاری ایران و به‌خصوص طرح‌های کاشی معقلی است که در کتاب «کاشی‌کاری ایران: گلچین معقلی» سبک‌های مختلف محلی و ساختار کلی این هنر را تا پایان دوره قاجار مورد بررسی قرار داده است.

اما نخستین پژوهش سودمند درباره کاشی‌های دوره قاجار را هادی سیف با عنوان «نقاشی روی کاشی» منتشر کرده است که اساس بسیاری از پژوهش‌های بعدی و بی‌تردید منبعی مهم برای مطالعه کاشی‌کاری ایران از دوره قاجار تا زمان حاضر به شمار می‌آید.

محمود ماهرالنقش در چندین کتاب و از جمله «کاشی و کاربرد آن» به مطالعه نقوش هندسی در کاشی‌های معرق و هفت‌رنگی ایران پرداخته است و عموماً بخش پایانی همه پژوهش‌های وی به مطالعه این نقشمایه‌ها در کاشی‌کاری دوره قاجار اختصاص دارد.

مهدی مکی‌نژاد در کتاب «تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: تزیینات معماری» پژوهشی در خصوص تاریخچه تزیینات و آرایه‌های وابسته به معماری ایران ارائه کرده که به بررسی روند تحول تزیینات و شیوه‌های آجرکاری و کاشی‌کاری در بناهای ایران می‌پردازد. مکی‌نژاد به‌تازگی در کتابی با عنوان «زندگی و احوال علی محمد اصفهانی» سبک کار و تاثیر این هنرمند برجسته عهد ناصری را نیز مورد مطالعه قرار داده است.

کتاب «کاشی‌کاری قاجاری» تألیف محمدرضا ریاضی، واجد گزاره‌های تحقیقی و حساب شده را در بحث و بررسی هنر کاشی‌کاری دوره قاجار در پیش گرفته است. ریاضی با گردآوری تصاویر و اسناد، با روش توصیفی و با دقت افزون‌تری در مقایسه با پژوهشگران پیش از خود، مسئله کاشی‌های دوره قاجار را از چشم‌اندازهای مختلف مورد مطالعه قرار داده است. وی علاوه بر بررسی تأثیر چاپ‌سنگی و عکاسی بر تصویرگری کاشی‌های این دوران، مسئله سبک‌شناسی کاشی‌های قاجار را در گستره ایران در سه سبک اصلی تهران، اصفهان و شیراز به بحث گذاشته است. اما با وجود انتشار این اثر در سال ۱۳۹۵، منابع مورد استفاده مولف از سال ۱۳۹۰ پیشی نگرفته و همچنین به موضوع مهم کتیبه‌های خوشنویسی در کاشی‌های قاجار نپرداخته است.

پروژه «تهران در قاب کاشی» عنوان دو نمایشگاه عکس است که توسط همایون عبدالرحیمی و فاطمه مجدنی در چند سال اخیر با تمرکز بر مستندنگاری کاشی‌های تصویری تهران عصر قاجار انجام شده و کتابی هم با همین عنوان توسط این دو عکاس و پژوهشگر اخیراً منتشر شده است. نگارنده این سطور نیز در سه کتاب «کتیبه‌های نستعلیق تهران»، «محراب‌های سفالین ایرانی» و «دروازه‌های تهران» موضوع کاشی‌های سبک تهران را مورد بررسی قرار داده است.

در میان پژوهشگران غربی، یکی از قدیمی‌ترین گزارش‌ها درباره کاشی و کاشی‌کاران عهد قاجار توسط رابرت مرداک اسمیت^۱ (رئیس اداره تلگراف ایران در دوره ناصری) در کتابی با عنوان «هنر ایران» نگاشته شد، که در آن به هنر کاشی‌سازی ایرانی با استناد به آثار و اطلاعات علی‌محمد اصفهانی (رساله‌ای در فن کاشی‌سازی) پرداخته شده است.

در عصر حاضر، نخستین پژوهش‌های منسجم توسط جنیفر اسکرس^۲ (محقق و موزه‌دار اسبق اسکاتلندی) انجام پذیرفته که تاکنون در قالب جستارهای متعددی در موضوعاتی همچون مضامین روایی و مذهبی در کاشیکاری دوره قاجار، جایگاه نقش و رنگ در کاشیکاری این دوره و زندگی و آثار علی‌محمد اصفهانی (در کتاب «شکوه هنر قاجار») به طبع رسیده است. همچنین اسکرس از جمله نخستین پژوهشگران غربی است که ایده سبک‌شناسی را در این عرصه مطرح کرده و با بررسی دقیق آثار علی‌محمد اصفهانی، سبک‌کار وی را مورد مطالعه قرار داده است.

ویلم فلور^۳ (ایران‌شناس و نویسنده) در پژوهشی جامع با عنوان «صنایع کهن در دوره قاجار»، بعد از معرفی صنایع و اصناف مختلف این دوره، متن رساله علی‌محمد اصفهانی را درباره شیوه ساخت کاشی‌های هفت‌رنگ به انگلیسی ترجمه و منتشر کرده است.

بررسی کاشی‌های باغ و عمارت فرمانفرما در شمال تهران که چندین دهه است تحت تملک سفارت ایتالیا در تهران قرار دارد، دستمایه انتشار کتابی ارزشمند به زبان انگلیسی و با مقاله‌ای از یحیی ذکا درباره کاشی‌های تولیدشده در تهران عصر قاجار بوده و نمونه‌های ممتازی از کاشی‌های تهران در آن منتشر شده است.

ونیشیا پورتر^۱ در کتاب «کاشی‌های اسلامی» به بررسی تاریخچه کاشی‌سازی در جهان اسلام پرداخته و انواع تکنیک‌ها و مراکز تولید را در ایران بررسی کرده است. از سوی دیگر، فردریکه فوکت^۲ در سال‌های اخیر، مطالعه کاشی‌های قاجاری تهران و به خصوص نمونه‌های تصویری از جمله مجموعه کاشی‌های اصناف در موزه مردم‌شناسی برلین و کاشی‌های برجسته با نقش سوارکار را در دستور کار قرار داده است.

کاتالوگ نمایشگاه «امپراتوری گل سرخ»^۳ که در سال ۲۰۱۷م در موزه لوور-لانس فرانسه برگزار شد، منبع جدیدی درباره هنر قاجار به شمار می‌آید که در بخش‌هایی به معرفی کاشی‌های دوره قاجار موجود در چند موزه معتبر اروپا و یک مجموعه خصوصی می‌پردازد. مویا کری^۴ نیز در کتاب «هنر ایران: مجموعه آثار ایران در موزه ویکتوریا و آلبرت» مقاله‌ای جامع درباره تحولات کاشی‌کاری تهران در عهد ناصری نگاشته است و با ارائه تصاویر و اسناد بسیار ارزشمند به بررسی زندگی و آثار علی‌محمد اصفهانی و تأثیر مرداک اسمیت بر روند تولید کاشی در عصر قاجار می‌پردازد.

موزه هنرهای اسلامی مالزی نیز نمایشگاهی با عنوان «سرامیک‌های قاجار: پلی میان سنت و مدرنیته»^۵ را در سال ۲۰۱۹م برگزار و کاتالوگی زیر نظر زهرا خادمی (مدیر پروژه و کیوریتور) با مقالاتی از زهرا خادمی، جنیفر اسکرس، محمدرضا ریاضی و محمدحسن طالبیان منتشر کرد. در این کتاب که جزو تازه‌ترین منابع مطالعاتی کاشی قاجار محسوب می‌شود، فهرست و نمونه‌های شاخصی از آثار استادان کاشی‌ساز این دوره، به خصوص نمونه‌هایی از کاشی‌های سبک تهران ارائه شده است.

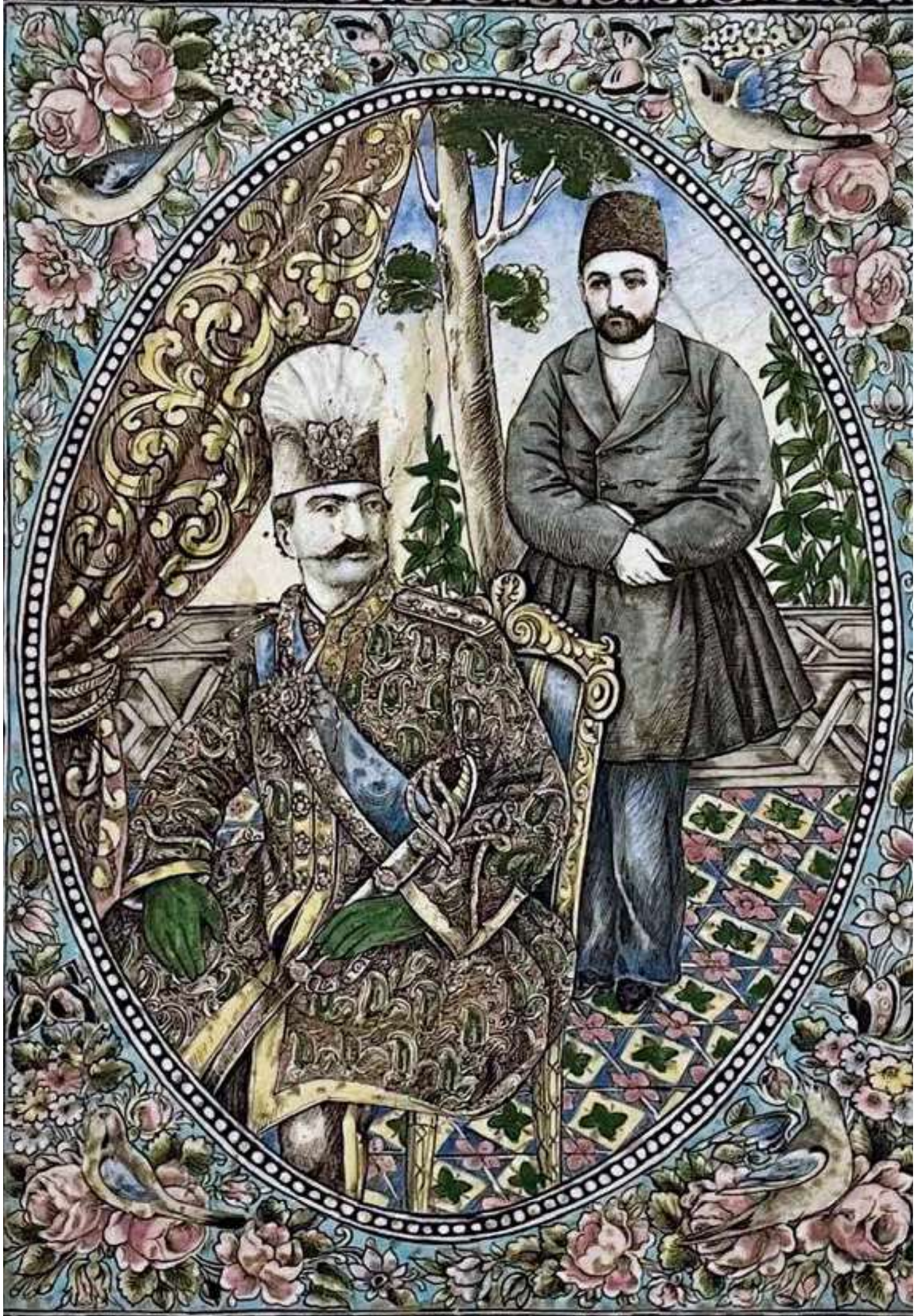
۱- Venetia Porter

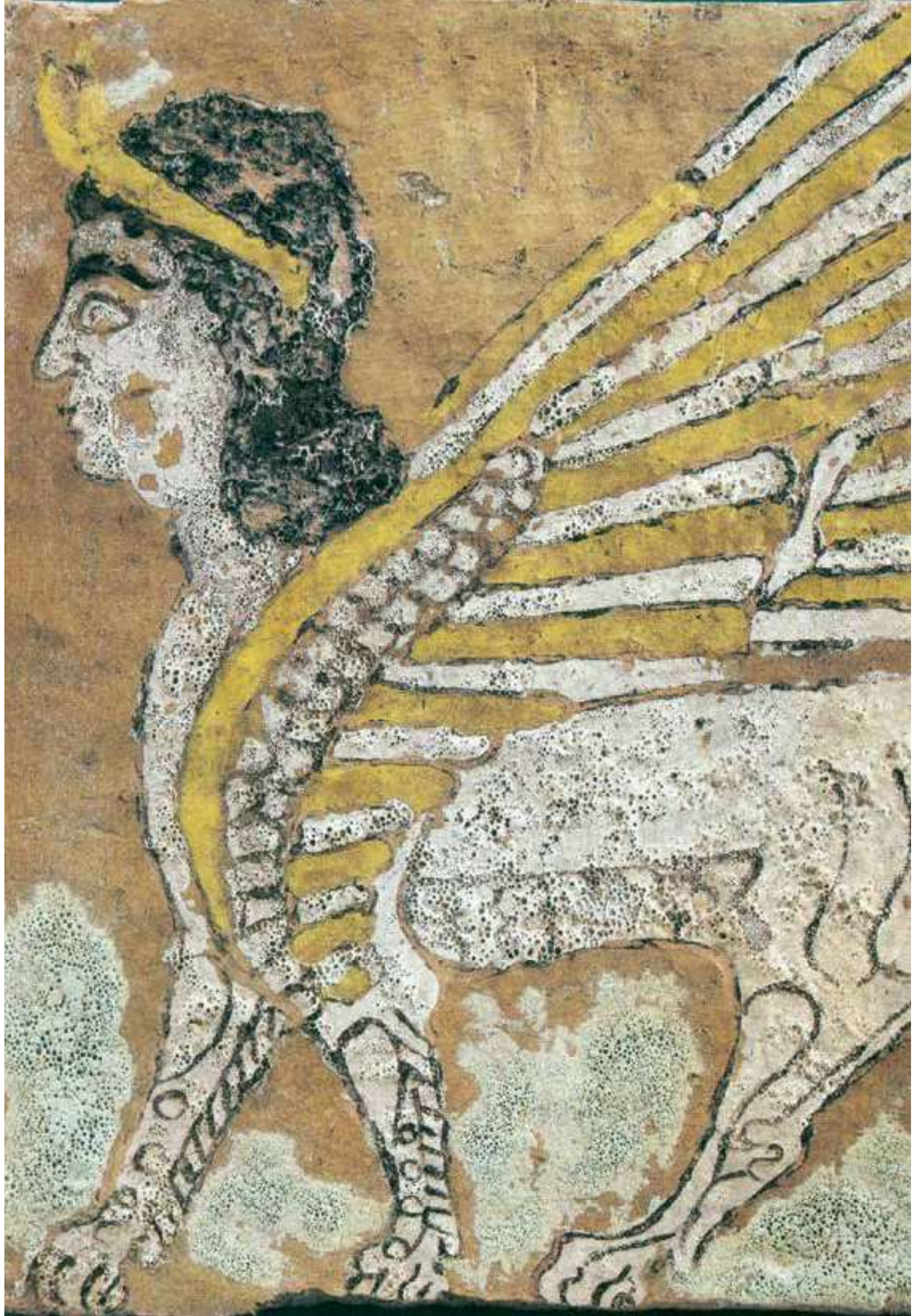
۲- Friederike Voigt

۳- L'empire des Roses

۴- Moya Carey

۵- Qajar Ceramics: Bridging Tradition and Modernity





تاریخچه کاشی در

کشور ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی‌اش، از دیرباز تاکنون میزبان اقوام و فرهنگ‌های مختلف بوده و از تاریخچه هنری غنی و چندهزارساله برخوردار بوده است. کاشی و کاشی‌کاری یکی از کهن‌ترین هنرهای ایران و از جمله عناصر کلیدی در تزئینات وابسته معماری ایرانی به شمار می‌آید. این هنر در ادوار تاریخی و با تکنیک‌های گوناگون با هدف زیباسازی ابنیه مذهبی، سلطنتی، عام‌المنفعه و خانه‌ها تهیه و تولید می‌شده و بخش مهمی از تحولات تصویری و کتیبه‌نگاری ایران را می‌توان در این میان مورد بررسی قرار داد.

از جمله قدیمی‌ترین نمونه کاشی (خشت)‌های لعابدار (با نقشمایه‌های پیکره‌ای، حیوانی و گیاهی) می‌توان به مجموعه خشت‌های منقوش مکشوفه از محوطه مانایی قلاچی در بوکان اشاره کرد که قدمتی چند هزار ساله دارند.^۱ ادامه این سنت را می‌توان در خشت‌های منقوش منطقه باباجانی در لرستان^۲ (از دوره ماد) نیز مشاهده کرد که نشانه‌ای روشن از اهمیت نقاشی روی بدنه‌های سفالین برای تزئین داخلی بنا از روزگار باستان است.

روند تحولات تکنیکی و نقشمایه‌ها در مجموعه آجرهای لعابدار دوره هخامنشی^۳ (شوش و تخت جمشید) به اوج شکوفایی خود رسید و تا پایان دوره ساسانی، استفاده از کاشی (خشت)‌های لعابدار منقوش در تزئین کاخ‌ها و بناهای مذهبی در سراسر ایران بزرگ ادامه یافت.

با نگاهی به این پیشینه طولانی و تنوع در سبک‌های معماری در ایران دوران اسلامی در می‌یابیم که با آمدن اسلام، بیشتر هنرهای کهن و به خصوص معماری باستانی ایران تحت تسلط دین جدید دستخوش تغییراتی اساسی گردید، و تزئینات وابسته به معماری از تحولی پویا برخوردار بوده است. در این میان تغییرات اساسی در ساختار معماری ابنیه (به‌ویژه با ساخت مساجد) موضوع تزئینات داخلی و خارجی و کاربرد کاشی‌های برجسته و لعابدار وارد مرحله تازه‌ای شد و تلاش‌های سفالگران سده‌های اولیه باعث ایجاد نهضتی جدید در کار ساخت و طراحی کاشی (خشت)‌های لعابدار گردید. در این دوران مسئله کتیبه‌نگاری (خوشنویسی) و اهمیت آن در ساحت معماری اسلامی، جایگاهی

۱- نک: حسن زاده، یوسف و حکمت‌الله ملاصالحی. بررسی باستان‌شناختی محوطه مانایی قلاچی بوکان با تکیه بر آجرهای لعابدار موزه ملی ایران. انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی، ۱۳۹۶.

۲- در معبد نوشی‌جان تپه در لرستان که معماری آن به شکل چلیپاست، مجموعه خشت‌های منقوشی برای تزئینات کف بنا تولید شده که نقوش هندسی ساده‌ای دارند و با اکسید آهن روی بدنه سفالین نقاشی شده‌اند. نمونه این خشت‌ها در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.



قاب آجر نقش برجسته لعابداری با نقش شیر، از کاخ شوش، دوره‌ی هخامنشی، در موزه‌ی لوور پاریس

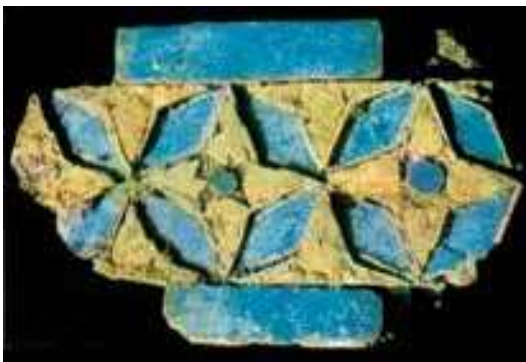
تعیین‌کننده‌ای یافت و تا استیلای سلاجقه بر ایران و آناتولی، از مهم‌ترین مظاهر بروز مفاهیم معنوی و عرفانی در هنر بدل شد و در تزئینات مساجد و امکان مذهبی رکن اصلی را ایفا می‌کرد. (سیف، ۱۳۶۲، ۳۵۱)

یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های یافت شده از کتیبه‌های خشتی لعابداری دوران اسلامی، متعلق به شهر قدیم جرجان است که در اوایل سده چهارم هجری تولید شده و امروز در بخش اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. هرچند به باور شهریار عدل، کتیبه‌های برجسته منار مسجد جامع دامغان، از جمله قدیمی‌ترین نمونه‌های لعابداری باقیمانده در میان بناهای سده پنجم هجری به‌شمار می‌آیند.

با آغاز سده پنجم هجری کاربرد آجر در ساخت و تزیین بناها رونق بیشتری یافت و نخستین نمونه کاشی‌های لعابداری تکرنگ فیروزه‌ای و لاجوردی برای پوشش بناها و تزیین تولید گردید. از میانه سده ششم و همزمان با تولید نمونه‌های تک‌فام، تکنیک ویژه «مینایی» در مراکزی همچون ری، نیشابور و کاشان با هدف تولید انواع ظروف و کاشی‌ها توسعه یافت و آثار چشم‌نوازی با تکنیک مینایی تا اوایل دوره ایلخانی تهیه و تولید شد. اما تا پیش از استقرار ایلخانان مغول در ایران، مهم‌ترین و پرکاربردترین تکنیک کاشی‌سازی، «زرین‌فام» بود که در سطح گسترده‌ای برای تزیین ازاره



خشت لعابداری مکشوفه از جرجان در بخش اسلامی موزه ملی ایران



کاشی نگین، ترکیب با گچبری، با نقوش هندسی، سده‌ی چهارم ه.ق، مکشوفه از گرگان، در گنجینه موزه ملی



کاشی لعابدار، تکنیک مینایی، با نقشی از داستان شاهنامه، سده‌ی ششم ه.ق، احتمالاً کاشان، این کاشی یکی از قدیمی‌ترین آثار هنر ایران با تصویری از شاهنامه به حساب می‌آید، در موزه‌ی بوستون آمریکا

بناها، کاشی‌های تزئینی، محراب‌ها و لوح مزارات بناهای شیعی در سطح گسترده‌ای بکار می‌رفت.

اصلی‌ترین مرکز تولید سفالینه و کاشی‌های زرین‌فام تا پایان حکومت مغولان در ایران، شهر کاشان بود و به همین دلیل واژه «کاشی» از نام این شهر اقتباس شده است. با آغاز عهد تیموری بود که تکنیک رنگارنگ کاشی «معرق» (موزاییک) به طرز فرارگیر برای تزئین نماهای بیرونی و داخلی بناهای ایران و در گستره بزرگی از جغرافیای فرهنگی ایران مورد استفاده قرار گرفت. تکنیک کاشی معرق که از کنار هم قرار دادن موزاییک‌های کوچک و به شکل یک پازل بر روی هر نوع سطح برآمده یا تورفتگی قابلیت نصب و اجرا داشت، در سده‌های هشتم و نهم هجری جلوه تازه‌ای به نمای انواع کاخ‌ها، و بناهای مذهبی و عمومی داد.

با روی کار آمدن سلسله صفوی و به خصوص در دوران سلطنت شاه‌عباس کاشی‌کاران ایرانی تکنیک «کاشی هفت رنگی» را در اصفهان تثبیت و جایگزین کردند و بسیاری از بناهای پایتخت نوپای صفوی با انواع نقوش و کتیبه‌ها تزئین یافت.

سنت ساخت کاشی‌های مربع‌شکل که با انواع رنگ‌ها و با تکنیک نقاشی زیرلعابی تزئین یافته بود پس از این دوره به دست هنرمندان شیرازی و در طول دوران زندیه به اوج شکوفایی خود رسید. آن‌چنان که در شیراز عصر کریم‌خان بود که رنگ‌های تازه‌ای همچون صورتی و قرمز و انواع نقوش گل‌های رنگارنگ همچون رز و زنبق وارد سبک کار کاشی هفت‌رنگ شد.